

بازشناسی مفهوم «شهر پایدار» بر اساس رهیافت‌های مختلف اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلام

* سعید رفیع پور

** هاشم داداش پور

*** علی‌اکبر تقوایی

چکیده

هزاره سوم، دوره‌ای از سکونت بشر بر روی زمین است که برای نخستین بار در تاریخ، اکثریت جمعیت جهان شهرنشین هستند و آنچه قطعی است، شهرها در آینده به دلیل ایجاد تنش‌های زیست محیطی با چالش‌های متعددی مواجه خواهند بود. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که حکمرانی زیست محیطی هر چند برای اجرای سیاست‌های توسعه شهری پایدار یک شرط ضروری است، اما قادر به مهار خودبینی و خودخواهی انسان، علت حقیقی بروز مشکلات زیست‌محیطی، نیست. اگر سناریوهای «شهر خبیث» و «پراکندگی شهری»، به ترتیب وضعیت بدترین و بد را برای آینده شهرها ترسیم می‌کنند، سناریوهای «بدل شهر پایدار» و «شهر پایدار» گذار از وضعیت‌های بدترین و بد را در جهت رسیدن به وضعیت خوب فراهم می‌سازد تا رسیدن به وضعیت خوب‌ترین (شهر طیب). با تأکید بر حکمرانی، قصد و انگیزه از رفتار اخلاقی با طبیعت به اهدافی محدود می‌شود که نمی‌تواند در افراد تحرک لازم را برای انجام فعل اخلاقی ایجاد کند. عمل اخلاقی با طبیعت، عملی که معطوف به خیر آدمی شود، به طور همزمان، علاوه بر نظام به هم پیوسته و بسیار یکپارچه از قوانین رسمی و غیررسمی، نظام‌های قانون‌گذاری و شبکه بازیگران در تمام سطوح جامعه بشری (از سطح محلی تا جهانی)، همچنین به تغییر در نگرش انسان و آگاهی او از اینکه، «خداوند بر همه چیز محیط است»، وابسته است.

واژگان کلیدی

شهر پایدار، اخلاق زیست محیطی، حکمرانی زیست محیطی، شهر طیب.

*. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

saeid.rafiempor@modares.ac.ir

** دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول مکاتبات).

h.dadashpoor@modares.ac.ir

***. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

taghvaea@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰

طرح مسئله

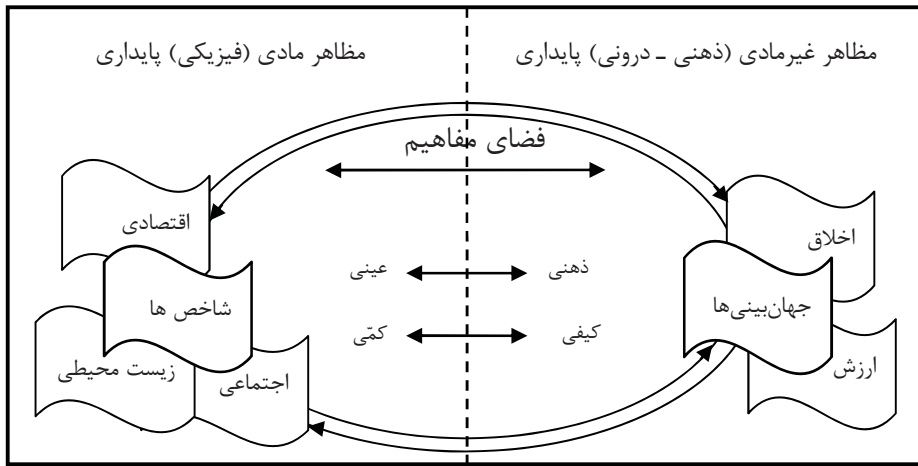
جمعیت شهرهای جهان در سال ۲۰۱۵ به ۳/۶ میلیارد نفر رسیده است و انتظار می‌رود این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۶/۳ میلیارد نفر برسد. در حالی که در سال ۱۹۵۰، ۳۰ درصد جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردند، برآورد می‌شود که این رقم در سال ۲۰۵۰ به ۶۷ درصد برسد (DESA, 2011: 2 - 1) و تقاضای روزافزون انسان بر منابع و خدمات طبیعی و ذخیره ژنی سیاره زمین افزایش یابد (اسمیت، ۱۳۹۰: ۴۲) و منجر به مشکلات زیست‌محیطی فزاینده در آینده شود.

نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که هرچه تاکنون با نام پایداری محیط زیست انجام گرفته، چیزی بیش از فعالیت‌های فنی برای حفاظت از محیط زیست نبوده است (شاه‌ولی و کاوری، ۱۳۷۸: ۱۰۱) و بخش بیشتر تلاش کسانی که امروزه درگیر مسائل زیست‌محیطی هستند، شکل مهندسی محیط زیست دارد. (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۹)

با تعریف پایداری به سه رکن: ۱. اجتماعی، ۲. اقتصادی، و ۳. زیست‌محیطی درون‌ملقمه‌ای از شاخص‌ها، فضا در چارچوب روابط ارکان سه‌گانه یادشده در اشکال تفریدی و ترکیبی، ظرفی برای تعریف ویژگی‌های پایداری در نظر گرفته می‌شود که با روش‌های متعددی (مانند: شاخص عملکرد محیط زیست،^۱ پس‌اندازهای خالص،^۲ شاخص پایداری محیط زیست،^۳ جاپای بوم‌شناختی،^۴ مازاد ظرفیت^۵ و شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست،^۶ قابلیت سنجش و اندازه‌گیری دارد؛ اما بدون اندیشیدن درباره منشأ ذهنی و درونی (جهان‌بینی) این شاخص‌ها که فقط مظاهر بیرونی و مادی پایداری را اندازه‌گیری می‌کند، درک حقیقت پایداری غیرممکن است. جریان توسعه در شهر برای گریز و پرهیز از وضع ناپایدار موجود در طبیعت به وضع مطلوب (پایدار)، نیازمند «پایداری کل‌نگر» است. (شکل شماره ۱)

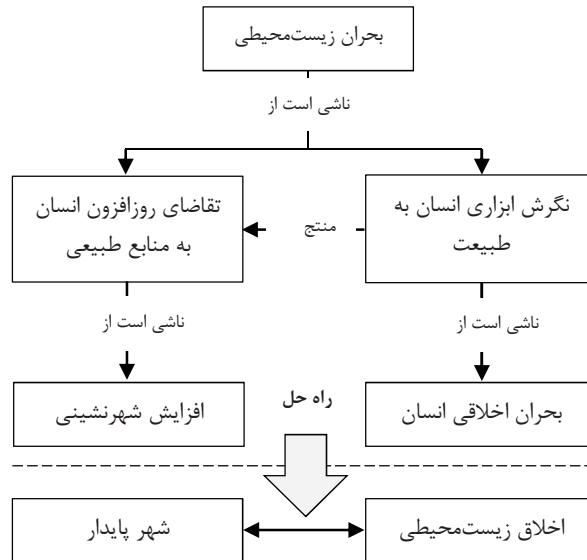
گذر به پایداری، مستلزم تغییر در نحوه درک افراد نسبت به یکدیگر و انواع دیگر حیات روی کره زمین، در نحوه ارزشیابی افراد از نیازها و اولویت‌هایشان و در نحوه رفتار آنهاست. ارزش‌ها به این دلیل اهمیت دارند که مردم به آنچه باور دارند، وابسته‌اند. اعتقاداتی که گروه وسیعی از مردم در آن سهیم می‌باشند، غالباً نافذتر از احکام دولتی است. (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۶۹)

1. EPI: Environmental Performance Index
2. GSs: Genuine Savings
3. ESI: Environmental Sustainability Index
4. EF: Ecological Footprint
5. SB: Surplus Biocapacity
6. EVI: Environmental Vulnerability Index



شکل ۱: پایداری کل نگر (منبع: یافته‌های تحقیق)

لذا این مطالعه طبق شکل شماره ۲، با آگاهی از این موضوع که جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها در برهمکنش با روندها بر رفتارها و خواسته‌های انسان‌ها از محیط زیست موثر است، ضرورت توجه به موضوع اخلاق زیست‌محیطی در شکل بخشی به شهر پایدار را بااهمیت تلقی می‌نماید.



شکل ۲: علّت‌ها و راه‌حل‌های بحران زیست‌محیطی در جهان (منبع: یافته‌های تحقیق)

روش‌شناسی این مطالعه توصیفی - تحلیلی، در چارچوب دانش آینده‌پژوهی^۱ است و با

۱. آینده‌پژوهی معادل لغت انگلیسی «Futures Studies» است. از کلمه جمع «Futures» به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدولوژی‌ها و به جای تصور فقط یک آینده، به گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردورانه در مورد نه فقط یک آینده، بلکه چندین آینده متصور مبادرت می‌شود. (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۲۲)

استفاده از مدل مثلث آینده‌پژوهی^۱، الگوهای فضایی مرتبط با مفهوم شهر پایدار (شهر سبز، بوم‌شهر، شهر هوشمند، شهر سالم، شهر زیست‌پذیر، شهر فشرده) را که با معرفی خود به‌عنوان کشش^۲ (تصاویر جذاب آینده شهر پایدار) سعی دارند با تکیه بر فشار^۳ (روندها در حوزه فناوری) و فارغ از وزن^۴ (ارزش‌ها و جهان‌بینی‌ها) پایداری را برای محیط زیست به ارمغان بیاورند، بر حسب رهیافت‌های مختلف اخلاق زیست‌محیطی در قالب سناریو بازشناسی کنند؛ اما با این ویژگی که آنها را در جهت الهی (نگرش اسلام به اخلاق زیست‌محیطی) سامان ببخشد و توسعه دهد. به عبارت دیگر، این تحقیق با تحلیل موضوعی «الگوهای فضایی مرتبط با مفهوم شهر پایدار»، بر مبنای نگرش‌های مختلف به رفتار اخلاقی با طبیعت، شماری از مقوله‌ها و مفاهیم بنیادین را در قالب سناریو تولید می‌کند و این مفاهیم را بر پایه نگرش اسلام به اخلاق زیست‌محیطی بازشناسی می‌کند.

الف) اخلاق زیست‌محیطی و بسط ملاحظات اخلاقی به طبیعت

بی‌تردید چالش‌های مهمی که امروزه بشر در عرصه محیط زیست با آن دست و پنجه نرم می‌کند، ناشی از جهان‌بینی مکاتب فکری مختلف در موضوع طبیعت است (اکبری و اسفندیاری، ۱۳۸۹: ۱۴۱) و اصلاح جهان‌بینی و اندیشه، مقدم بر هر نوع اصلاح‌گری در کره خاکی شمرده می‌شود. (فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۶) از این‌رو لزوم شناسایی یک نظام معرفتی که بتواند در جهت هماهنگی هر چه بیشتر رابطه انسان با طبیعت قدم بردارد و مقدمات کمال هر دو را فراهم سازد، به یک ضرورت انکارناپذیر مبدل شده است. (اکبری و اسفندیاری، همان)

در این میان، نظریات اخلاقی، مبتنی بر جهان‌بینی هستند و نوع نگاه به هستی، طبیعت و انسان، در طراحی و سامان یافتن نظریه اخلاقی، تأثیر قطعی و عمیق دارد. (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰) اخلاق زیست‌محیطی^۵ باسابقه‌ترین شاخه اخلاق کاربردی است که مسائل نوپدید یا حل‌ناشده اخلاقی در زمینه محیط زیست را بررسی می‌کند. (اسلامی، ۱۳۹۱: ۷۸) بنیادی‌ترین پرسش در باب اخلاق محیط زیست، این است که چه موجودات یا کدام دسته از موجودات دارای

۱. مثلث آینده‌پژوهی (Futures Triangle) مدلی است که به نگاشت (Mapping) سه بعد کیفی متفاوت از آینده (کشش، فشار و وزن) می‌پردازد که آینده باورپذیر (Plausible Future) را به وجود می‌آورند. (Inayatullah, 2008)

2. Pull of the Future: (What is pulling you or this?).

3. Push of the Future: (What is pushing you or this?).

4. Weight of the future: (What is holding you back, getting in your way?).

5. Environmental Ethic

ارزش و به تبع آن، صاحب شأن و حق اخلاقی هستند. (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) در پاسخ به این پرسش، نظریه‌های اخلاق زیست‌محیطی گوناگونی پدید آمده است که به طور عمده، مشتمل بر سه نگرش انسان‌محور، زیست‌محور و زیست‌بوم‌محور به شرح زیر است:

جدول (۱): سه نگرش عمده اخلاق زیست محیطی

مأخذ: (Davis & Nagle, 2010: 285)

زیست‌بوم‌محوری (ECOCENTRIC)	زیست‌محوری (BIOCENTRIC)	انسان‌محوری (ANTHROPOCENTRIC)	
طبیعت‌محور (Nature Centred)		فناوری‌محور (Technology Centred)	مردم‌محور (People Centred)
جهان‌بینی کل‌نگر (Holistic) حداقل اختلال در فرایندهای طبیعت. یکپارچگی ابعاد روحی، اجتماعی و زیست‌محیطی. پایداری برای کل زمین. اجتماع‌های خوداتکاء در درون چارچوب شهروندی جهانی. خود را مکلف کردن به خوب‌تر شدن داری در استفاده از منابع.	جهان‌بینی جزءنگر (Atomistic)	فناوری می‌تواند پایه‌پای مشکلات زیست‌محیطی حرکت کند و راه‌حل‌هایی برای این مشکلات بیابد. جایگزینی منبع، مشکل کاهش منبع را حل و برطرف می‌کند. درک فرایندهای طبیعی برای کنترل آنها ضروری است. تأکید قوی بر تحلیل‌های علمی و پیش‌بینی قبل از سیاست‌گذاری. اهمیت بازار و رشد اقتصادی.	مردم مدیران زیست‌محیطی نظام جهانی پایدار هستند. کنترل جمعیت، وزن برابری به مصرف منابع می‌بخشد. ضرورت دارد مقررات سختی به وسیله مقامات مستقل وضع شود.
بوم‌شناسان ژرف (Deep Ecologists) ۱. اهمیت ذاتی طبیعت برای انسان. ۲. قوانین بوم‌شناسانه (و سایر قوانین طبیعی)، اخلاق انسانی را دیکته می‌کند. ۳. حقوق زیستی - حقوق گونه‌های در معرض خطر	بوم‌شناسان نرم خوداتکا (Self - Reliance Soft Ecologists) ۱. تأکید بر کوچکی مقیاس و بدین دلیل، یکسانی اجتماع در سکونت‌گاه، کار و فراغت. ۲. یکپارچه‌سازی مفاهیم کار و اوقات فراغت از	کانون ارزشی زیست‌محور از چهار مؤلفه اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: ۱. انسان عضوی از مجموعه حیات زمین است و عضویتش با سایر اعضای که انسان نیستند، یکسان است. ۲. کل زیست‌بوم‌های طبیعی زمین، شبکه‌ای پیچیده از عناصر درهم تنیده‌اند که کارکرد زیست‌شناختی درست هر موجود به کارکرد	مدیران زیست‌محیطی (Environmental Managers) ۱. باور به اینکه رشد اقتصادی و بهره‌برداری از منابع می‌تواند تداوم داشته باشد؛ با فرض: الف) تعدیل‌های اقتصادی مناسب برای مالیات‌ها، دستمزدها و غیره. ب) بهبود در حقوق قانونی حداقل سطح کیفیت زیست‌محیطی.

زیست‌بوم‌محوری (ECOCENTRIC)	زیست‌محوری (BIOCENTRIC)	انسان‌محوری (ANTHROPOCENTRIC)
یا مناظر بی‌بدیل به منظور بقای بدون آزار.	زیست‌شناختی درست سایر موجودات بستگی دارد. ۳. هر موجود زنده‌ای، محور غایت‌مند حیات است و به شیوه خود در پی خیر و صلاح خویش است. ۴. از لحاظ معیارهای شایستگی یا ارزش ذاتی، این ادعا که انسان فی‌نفسه از سایر گونه‌ها برتر است، ادعایی نادرست است و چیزی جز جانب‌داری غیرمنطقی از انسان نیست.	مردم جهان. ۴. ایمان به اینکه مهارت علمی و فناوریانه، پایه و اساس اولیه برای توصیه در مورد مسائل مربوط به رشد اقتصادی، سلامتی و امنیت عمومی را فراهم می‌کند. ۵. بدگمانی نسبت به تلاش‌ها برای گسترش پایه‌ای برای مشارکت و بحث‌های طولانی در ارزشیابی پروژه‌ها و بررسی سیاست‌ها. ۶. اعتقاد به اینکه بر همه موانع می‌توان با داشتن اراده، نبوغ و منابع کافی ناشی از رشد غلبه کرد.
طریق فرایند بهبود فردی و جمعی. ۳. اهمیت مشارکت در امور اجتماع و تضمین حقوق و منافع اقلیت. مشارکت هم به‌عنوان آموزش متداوم و هم عملکرد سیاسی در نظر گرفته می‌شود.	۴. عدم اعتماد به فناوری مدرن بزرگ مقیاس و مقتضیات مرتبط با آن برطبق مهارت نخبه‌گرایانه، مقامات دولت مرکزی و راه‌حل‌های ذاتاً ضد مردم‌سالارانه. ۵. بوم‌شناسان عمیق استدلال می‌آورند که ماده‌گرایی (Materialism) در نفس خود، نادرست است و رشد اقتصادی را می‌توان به منظور تأمین نیازهای اساسی افرادی که در زیر سطح امرار معاش قرار دارند، همساز کرد.	ج) تدابیر جبران خسارت برای رضایتمندی کسانی که با اثرات زیست‌محیطی و / یا اجتماعی نامطلوبی روبرو هستند. ۲. پذیرش فنون ارزشیابی پروژه‌های جدید و ترتیبات بررسی تصمیم‌ها، به منظور در نظر گرفتن بحث‌های گسترده‌تر یا جستجوهای بی‌غل و غش برای اجماع در بین نمایندگان طرف‌های ذی‌نفع.

رویکرد انسان‌محور،^۱ طبیعت و محیط زیست را به منافع انسانی پیوند می‌زند و غالباً طبیعت، ارزش ابزاری دارد. در این دیدگاه، تنها انسان دارای ارزش ذاتی و منزلت اخلاقی است؛ یعنی هر انسانی فقط در برابر انسان دیگر به‌مثابه یک فاعل اخلاقی دارای مسئولیت است و هیچ مسئولیت بالذات و اولیه اخلاقی در مورد حیوانات یا اشیای بی‌جان ندارد و اگر گاهی ناچار است رفتار اخلاقی خاصی را در مورد حیوانات یا گیاهان یا حتی اشیای طبیعی داشته باشد، صرفاً به ملاحظه ارتباط آن با یک فاعل اخلاقی، مانند خود یا انسان دیگری است. (جوادی، ۱۳۸۷: ۵۳)

1. Anthropocentric / Anthropocentrism

این رویکرد در حفاظت از محیط زیست به دنبال این است که تنها انسان بتواند در یک محیط سالم رشد کند و محیط او در برابر آلودگی‌ها، آفات و خسارت‌ها و آسیب‌ها حفظ گردد. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۰۱ - ۲۰۲)

رویکرد زیست‌محور،^۱ بر مبنای دیدگاه فلیسوف فرانسوی جن جکز روسو^۲ است کسی که به دنبال گسترش نگرانی اخلاقی انسان به فراتر از حیوانات به منظور مراقبت از گیاهان و همه جانداران است. (Rousseau; 1979) طبق نظر پُل تیلور، گیاهان و حیوانات به لحاظ اخلاقی می‌توانند ضرر ببینند یا منتفع شوند. آنها برای زیستن به واسطه فرایند رشد و تکثیر مبارزه می‌کنند. آنها دارای اهداف خود هستند و معتقدند علاقه گیاهان و حیوانات برای زیستن باید یک ملاحظه اخلاقی باشد. (Taylor, 1986: 37 - 38) این گروه گمان می‌کنند اشیای طبیعی و نظام‌های طبیعی - نظیر درختان یا دریاچه‌ها و جنگل‌ها - دارای ارزشی فی‌نفسه و مستقل از منافع انسان‌ها می‌باشند و به رسمیت شناختن چنین ارزشی ما را مکلف می‌سازد تا اصول اخلاقی جدیدی در پیش بگیریم که از اصول سنت اخلاقی غرب از ریشه منفک و جدا خواهد بود. علت این جدایی این است که به اعتقاد این گروه سنت‌های اخلاقی غرب به گونه‌ای اصلاح ناپذیر انسان مدار است. بطوری که نابود کردن یا از شکل انداختن چیزهای طبیعی طبق آن سنت‌ها منعی ندارد مگر آن که این امر موجب آزار یا زیان انسان‌ها شود. (بن‌سن، ۱۳۸۲: ۱۲)

اگر در رویکرد انسان‌محور، «طبیعت» عنصری وابسته و تبعی شمرده می‌شود و در نهایت به منافع انسانی گره می‌خورد، در این رویکرد طبیعت و محیط زیست «ارزش ذاتی» دارد. در این رویکرد به هیچ‌وجه انسان و مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست؛ بلکه طبیعت فی‌نفسه ارزشمند است. این رویکردها ما را فارغ از ضررها یا منافع آن وامی‌دارد که هر دو حوزه محیط زیست طبیعی و انسانی را حفاظت کنیم و ارج نهیم. طبیعت نه از آن جهت که منافع انسانی به خطر افتاده و آلودگی‌ها و مخاطرات گسترش یافته است، شایسته احترام و حفاظت است؛ بلکه فارغ از همه اینها، طبیعت به خودی خود شایسته احترام خواهد بود. اگرچه در سالیان اخیر، فلاسفه محیط زیست بر این رویکرد تأکید کرده‌اند سعی شده است این دیدگاه قانونی گردد، از لحاظ مطالعه «تاریخ فلسفه محیط زیست»^۳ تئوری‌های مربوط به ارزش ذاتی طبیعت، جنبه نوینی ندارد می‌توان زمینه‌های آن را در اندیشه‌های یونان باستان و فلسفه اسلامی یافت. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

1. Biocentric / Biocentrism

2. Jean Jacques Rousseau

3. Histoire de la philosophie de l'environnement

رویکرد زیست‌بوم‌محور^۱ بر ارتباط بین همه موجودات زنده و غیرزنده را در اکوسیستم تأکید می‌کند. زیست‌بوم‌گرایی بر روش‌های ایجاد تعادل در دعاوی بین حال و آینده، انسان و غیرانسان، علمی و غیرعلمی و فرد و کل متمرکز است. تمامی افراد درون یک اکوسیستم با هم مرتبط هستند و سیاره زمین، نوعی کارخانه کامل^۲ است که تمامی موجودات زنده که نیاز به یکدیگر دارند، همدیگر را پشتیبانی می‌کنند و دوست می‌دارند. به همین دلیل، فرایند مرگ و زندگی برای حیات اکوسیستم‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

زیست‌بوم‌گرایی گاهی از این حیث مورد انتقاد قرار می‌گیرد که تنها بر حق زندگی به‌عنوان یک معیار اخلاقی تأکید دارد. همچنین زندگی و مرگ باید در بالاترین حد تعادل پذیرفته شود. (Borrong; 2005: 79) همه زیست‌بوم‌محورها معتقد هستند که انسان نیاز به یک تغییر بنیادی در نگرش مسلط انسان‌محوری و بهره‌کشی از طبیعت به سوی احترام بیشتر برای یکپارچگی طبیعت دارد. (Oughton; 2003: 10)

مدافعان فلسفه زیست‌بوم‌محور ادعا می‌کنند که انواع گونه‌ها، زیست‌بوم‌ها، کوه‌ها و مناظر به‌تنهایی خودشان صرف‌نظر از پیامدشان بر انسان‌ها یا دیگر گونه‌های غیر از انسان، می‌توانند ارزش داشته باشند. (Ibid: 9)

نظریه‌های اخلاق زیست‌محیطی، در طیفی از کم‌دامنه (انسان‌مدار) تا بلنددامنه (جهان‌مدار) گسترش دارند. بر اساس ارزش ذاتی یا ابزاری قائل شدن برای محیط زیست، سه کانون ارزش اخلاق زیست‌محیطی قابل تفکیک است. کانون ارزشی انسان‌محور، که نگاه ارزش ابزاری به طبیعت دارد؛ کانون ارزشی زیست‌محور، که نگاه ارزش ذاتی به موجودات زنده در طبیعت دارد؛ کانون ارزشی زیست‌بوم‌محور، که نگاه ارزش ذاتی به تمام موجودات زنده و غیرزنده (زیست‌بوم) دارد. (عابدی سروستانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴ - ۶۳)

البته محدود کردن چگونگی تعامل انسان با طبیعت به این سه جهان‌بینی جای تردید دارد. بحران زیست‌محیطی که هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای توسعه‌نیافته با آن روبه‌رو هستند، در واقع یک بحران معنوی است. (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۵۷) بحران محیط زیست طبیعی، جلوه بیرونی بحرانی در روان مردان و زنانی است که چون از آسمان به سود زمین روی تافته‌اند، اینک در آستانه تخریب خود زمین نیز قرار گرفته‌اند.

1. Ecocentric / Ecocentrism

2. Integral Factory

بحران زیست‌محیطی نه به صرف راه‌حل‌های خطابی و صوری، که به مرگ و نوزایی انسان متجدد و جهان‌بینی او نیاز دارد. (نصر، ۱۳۹۱: ۱۴) حل کامل مشکلات زیست‌محیطی، جز با توجه به تعالیم وحیانی و پایبندی به آموزه‌های قرآنی ممکن نیست. (نورائی، ۱۳۹۱: ۳) این آموزه‌های دینی است که توان مهار خیل شتابزده آدمیان را در قرون علم‌زدگی و مادی‌گرایی دارد. (فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

این تعبیر قرآنی که «خداوند بر همه‌چیز محیط است»، نقطه آغازین هر کوشش مناسبی است جهت شناخت و درک نظرگاه اسلام درباره محیط زیست و مبین این معنا است که بشر در احاطه خداوند قرار دارد. (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۰) مکتب زیست‌محیطی اسلام، به تمام جنبه‌های انسانی، محیط زیست و جهان هستی در ارتباطی هماهنگ در مسیر الهی توجه می‌کند و نه تنها محیط زیست را از این پیوند جدا نمی‌کند، مبانی محیط زیست را در جریان موازنه با نظام هستی و مرتبط با خالق این نظام می‌داند. (متقی، ۱۳۸۷: ۳۴) از این رو دعوت مردم به حفظ محیط زیست، بدون انگیزه مذهبی در آنان، بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد بود.

قرآن کریم می‌فرماید:

اگر مردم شهرها ایمن آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند، پس به دستاوردها نگریدند و ساختیم. (اعراف / ۹۶)

براساس این آیه شریفه، اگر انسان در جهت فطرت و آفرینش گام بردارد، برکات الهی شامل حال او می‌شود و هرگاه برخلاف قوانین آفرینش رفتار کند، نظام آراسته و صالح جاری به فساد می‌گراید و زندگی او را تباہ می‌سازد. بنابراین بحران زیست‌محیطی کنونی، حاصل انحطاط انسان در عرصه محیط زیست است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۱۹ - ۱۱۸)

نظریه اسلام در باب اخلاق محیط زیست، از سویی همه موجودات و مخلوقات عالم را باارزش می‌داند و از سوی دیگر، ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی را از اختصاصات انسان برمی‌شمارد. نه مانند نظریه انسان‌مدار است که فقط انسان را باارزش بداند و سایر مخلوقات را بی‌ارزش تلقی کند و دست انسان را در هر گونه تصرف در طبیعت کاملاً باز بگذارد و نه مانند نظریه عالم‌مدار (جهان‌مدار) است که همه موجودات عالم را دارای حق و مسئولیت اخلاقی قلمداد کند و اگر انسان را شریف‌ترین مخلوقات می‌داند، او را در برابر همه موجودات مسئول نیز

به شمار می‌آورد. (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

با توجه به مطالب یادشده، بر مبنای «کانون ارزش ذاتی» در رهیافت‌های گوناگون اخلاق زیست‌محیطی (خدا محور، زیست‌بوم محور،^۱ زیست‌محور^۲ و انسان محور^۳) دامنه بسط ملاحظات اخلاقی به طبیعت به ترتیب از عالم به محیط انسان ساخت تقلیل می‌یابد. به عبارت دیگر، در اخلاق زیست‌محیطی اسلام، دامنه فراگیری ارزش، شامل کل عالم، اخلاق زیست‌بوم محور شامل زیست‌کره،^۴ اخلاق زیست‌محور شامل اکوسیستم یا محیط زیست جانداران و اخلاق انسان محور شامل صرفاً انسان است.

ب) شهر پایدار بر حسب رهیافت‌های مختلف اخلاق زیست‌محیطی

با بسط ملاحظات اخلاقی به طبیعت بر مبنای نگرش اسلام به محیط زیست، سناریوی «شهر طیّب» با اتکا به آموزه‌های متعالی اسلام، تحت عنوان حیات طیّبه در مطلوب‌ترین موضع در مقابل این چهار سناریو ترسیم می‌شود:

۱. شهر پراکنده؛^۵

۲. شهر پایدار؛^۶

۳. بدل شهر پایدار؛^۷

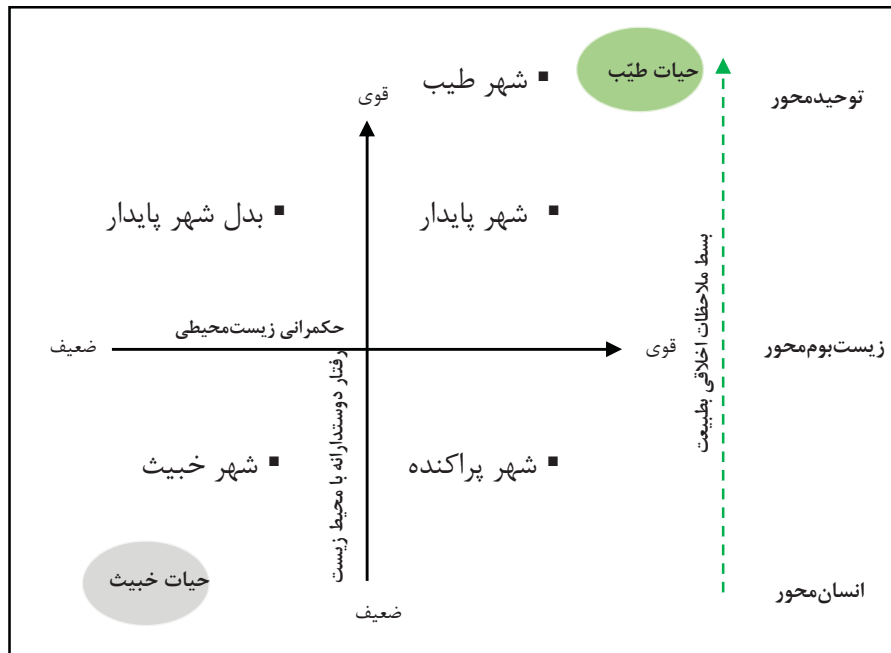
۴. شهر خبیث.^۸

بدین ترتیب، پنج الگو از مفهوم شهر پایدار، بر مبنای سه نگرش انسان محور، زیست‌بوم محور^۹ و توحید محور، به شرح زیر قابل استخراج است:

1. Ecocentric / Ecocentrism
2. Biocentric / Biocentrism
3. Anthropocentric / Anthropocentrism
4. Ecosphere
5. Sprawl City
6. Sustainable City
7. Fake Sustainable City

۸. سناریوها در مکاتب مختلف به صورت‌های گوناگون تهیه می‌شوند. در هر مکتب سناریونگاری بر گام‌هایی ویژه برای تدوین سناریوها تأکید می‌شود؛ اما در معروف‌ترین آنها که با نام سناریو دو در دو (۲×۲) شناخته می‌شود، هر سناریو از تقاطع دو پیشران دارای عدم قطعیت شکل می‌گیرد و به همین دلیل لازم است ابتدا فهرستی از پیشران‌ها شناسایی شوند. (شماعی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۴)

۹. دیدگاه زیست‌محور به صورت مرکب با دیدگاه زیست‌بوم محور در نظر گرفته شده است.



شکل (۳): سناریوهای شهر پایدار بر مبنای بسط ملاحظات اخلاقی به طبیعت

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۱. سناریوی شهر پراکنده

در این سناریو، طبیعت ارزش ابزاری دارد یا به عبارت دیگر، ملاک تعیین ارزش طبیعت، منافع انسان است. این نوع نگرش، متأثر از اندیشه سرمایه‌داری غرب است که به اصالت انسان، اصالت سود، اصالت لذت و اصالت آزادی معتقد است. در این نوع، دو الگوی «شهر زیست‌پذیر»^۱ و «شهر سالم»^۲ ترویج می‌شود و هدف این است که تنها انسان بتواند در یک محیط سالم زیست‌پذیر رشد کند و محیط او در برابر آلودگی‌ها، آفات و آسیب‌ها حفظ گردد. در این زمینه، رشد و پیشرفت روزافزون علم و فناوری، توانایی انسان را برای بهره‌برداری هر چه بیشتر از

۱. تعریف دقیق شهر زیست‌پذیر (Livable City) وابسته به تعریف مفهوم زیست‌پذیری است. زیست‌پذیری دارای تعاریف گوناگون و مختلفی است؛ نظیر بیانیه‌ای از خواسته‌های مرتبط با رضایت از زندگی در یک مکان ویژه؛ (Chazal, 2010: 595) یک رفتار مرتبط با عملکرد متقابل بین ویژگی‌های محیطی و ویژگی‌های فردی (Pacione, 1990: 1) و رفاه یک اجتماع. (Victorian Competition and Efficiency Commission, 2008)

۲. شهر سالم (Healthy City) را به‌طور خلاصه می‌توان به یک محیط شهری پاکیزه به اضافه خدمات درمانی - بهداشتی و زیست‌محیطی خوب تعریف کرد. (WHO. Regional Office for the Eastern Mediterranean, 2007: 36)

محیط زیست طبیعی و تصرف در آن ممکن می‌سازد. از آنجا که انسان تنها مدیر در نظام زیست‌کره است و با تکیه بر عقل، همیشه راه‌حلی - خواه سیاسی، علمی یا فنی - برای برون‌رفت از مشکلات زیست‌محیطی پیدا خواهد کرد، بنابراین نتیجه می‌گیرد که رشد اقتصادی و بهره‌برداری از منابع همچنان می‌تواند تداوم یابد.

«شهر زیست‌پذیر» و «شهر سالم» (دو رویکردی که این سناریو ترویج می‌کند) با تمرکز بر افزایش کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی ساکنان خود، مبنای توسعه شهری را بر پایه روندها و گرایش‌های دیروز (خارجی کردن هزینه‌های زیست‌محیطی، نظام‌های باز و متابولیسم شهری خطی)^۱ و رشد آنها در سال‌های آتی استوار می‌سازند. در چنین رویکردی، دگرگونی در ساختارها (شهر، شهروند و مدیریت شهری) در جهت پایداری فراگیر در جهان مدنظر نیست و آینده در تداوم با دیروز با تحقق کمی‌تری بیشتر بر پایه کیفیت زندگی در یک مکان ویژه برآورد می‌شود. بدین ترتیب، افزایش میزان رضایت یک فرد یا گروهی از افراد از زندگی در یک مکان ویژه، بدون توجه به هزینه‌های خارجی زیست‌محیطی آن و همچنین عدم امکان فراگیری چنین سطحی از رفاه و کیفیت زندگی در سطح همه شهرهای جهان با توجه به ظرفیت محدود زیست‌کره نمی‌تواند پایداری در محیط طبیعی را به همراه داشته باشد.

۲. سناریوی شهر پایدار

در این سناریو، رفتار اخلاقی با طبیعت با تکیه بر دانش بوم‌شناختی، مبتنی بر نوعی دیدگاه فرایندمحور به طبیعت^۲ است. در این دیدگاه، با بسط ملاحظات اخلاقی از انسان به همه موجودات زنده و غیره زنده، طبیعت هویتی مستقل از انسان پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، با بسط

۱. متابولیسم شهری خطی (Linear Urban Metabolism) یا نظام شهری بسیار باز، استعاره‌ای است که منشأ اسراف و نادیده گرفتن منافع حاصل از مدیریت بسیار مؤثر منابع است. به جای مدیریت بسیار مؤثر منابع، مدیران منابع، در زیرساخت‌های لوله‌کشی انتقال منابع از پس‌کرانه جغرافیایی شهر، رساندن آنها به درون شهر، مصرف منابع و دفع ضایعات در پس‌کرانه جغرافیایی شهر سرمایه‌گذاری می‌کنند. در چنین شرایطی، مدیریت پایدار منابع بر کارآمدتر نمودن مکانیسم‌های قیمت‌گذاری بازار که هزینه‌های خسارت زیست‌محیطی را درونی می‌کند، متمرکز می‌شود. هدف، تنظیم مجدد شکل شهر به وسیله سیگنال‌های بازار (Market Signals) و جبران هزینه (Cost Compensation)، به جای کوشش برای کاهش نفوذ گستره شهر است. در این الگو که «شهر وابسته به خارج» (Externally Dependent City) نامیده می‌شود، شهر یک گره در نظر گرفته می‌شود که منابع را از پس‌کرانه جغرافیایی رو به افزایش خود برای مصرف شهری بدون توجه به سطح یا میزان ضایعات تولیدشده به وسیله شهر استخراج می‌کند. (Guy and Marvin, 2000: 12)

2. Process - Oriented

ملاحظات اخلاقی (نگرش ذاتی) به طبیعت، دوگانگی هنجاری انسان / طبیعت، به مقارنه انسان و طبیعت مبدل می‌شود. این مقارنه این امکان را برای موجودات زنده و غیرزنده (اشیا) و همچنین مصنوعات انسان‌ساخت فراهم می‌سازد که هویت‌های طبیعی و فرهنگی مقارن با هم باشند. این سناریو، پایداری را بر پایه دگرگونی در ساختارهای موجود که منجر به ناپایداری در نظام طبیعی طبیعت شده است، جستجو می‌کند. به عبارت دیگر، این رویکرد تلاش دارد که بر پایه دگرگونی در ساختارهای شهر، شهروند و مدیریت شهری در وضع موجود، پایداری نظام‌مندی را در آینده بدست دهد. «شهر سبز / بوم شهر»^۱ که دیدگاه فرایندمحور به طبیعت را ترویج می‌دهد، به‌عنوان یک نظام یکپارچه زنده، بر مبنای ساختارهای منعطف خودنگهدار و عملکرد اکوسیستم‌های طبیعی و ارگانیزم‌های زنده، فرموله شده است. در این نوع الگو، با تلقی شهر به‌عنوان یک نظام بوم‌شناختی^۲ (اکولوژیک) ارتباط بین ساکنان شهر و اکوسیستم‌های طبیعی پیرامون، در فرایندی چرخه‌ای تعریف می‌شود که کاهش‌دهنده ضایعات، استفاده‌کننده مجدد و بازیافت‌کننده ضایعات و ارائه‌گر چرخه بسته آب و یکپارچه با منطقه پیرامون است که عملکرد «زیست‌زمین شیمیایی»^۳ شهر را پایدار می‌سازد. بوم شهر / شهر سبز، یک مدل یا یک الگو بر مبنای عامل منفردی همچون تراکم یا فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست؛ بلکه نتیجه فرایند اجتماعی گروه‌های ذی‌نفع متعدد بر پایه حکمرانی زیست‌محیطی است.

۳. سناریوی بدل شهر پایدار

در این سناریو، دو الگوی «شهر فشرده»^۴ و «شهر هوشمند»^۵ به ترتیب با تأکید بر نقش فرم

1. Eco City / Green City

۲. شهر پایدار که اغلب «بوم‌شهر» نامیده می‌شود، در شرایط ارتباط بین ساکنان شهر و اکوسیستم‌های طبیعی پیرامون قابل تعریف است. (Ciomasu, 2013: 1805)

3. Biogeochemical

۴. شهر فشرده (Compact City) در تضاد با گسترش شهری پراکنده اتومبیل‌محور بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ مدرن است. فرایند دستیابی به فشردگی شهری، معمولاً «تشدید»، «تثبیت» یا «متراکم‌سازی» نامیده می‌شود و شامل استفاده مجدد از زمین‌های رها شده، استفاده بسیار فشرده از ساختمان‌های شهری، تقسیم کردن به اجزای کوچک و تغییر توسعه‌های موجود و افزایش تراکم جمعیت در نواحی شهری (یعنی شهرنشینی مجدد) است. (Burton, 2000: 1969)

۵. شهر هوشمند (Smart / Intelligent City) محیط شهری است که با پشتیبانی نظام‌های فناوری اطلاعات، قادر به ارائه خدمات پیشرفته و نوآورانه به شهروندان به منظور بهبود همه‌جانبه کیفیت زندگی آنان است. (Piro et al, 2014: 169)

شهری متراکم و فناوری اطلاعات و ارتباطات در کمینه کردن مصرف انرژی تلاش می‌کنند تا شهر موجود را با متابولسیم شهری پایین همراه سازند؛ اما به دلیل نگرش تک‌بعدی و کافی دانستن شکل‌دهی مجدد فرم شهر برای دستیابی به پایداری به ترتیب بر مبنای افزایش تراکم و استفاده از فناوری‌های نوین، از تعریف یا کاهش مرزهای منطقه‌ای که شهر از آن جذب منابع می‌کند (حوزه بوم‌شناختی)، غافل شده‌اند؛ حوزه‌ای که در سرتاسر جهان گسترده شده است و به مراتب، بزرگ‌تر از محدوده‌های فیزیکی شهرها می‌باشد. بنابراین این سناریو در نسبت با مواضع دو سناریوی قبل، موضعی بینابین در پیش می‌گیرد و دگرگونی بنیادی در ساختارها (شهر، شهروند و مدیریت شهری) را ضروری نمی‌داند.

۴. سناریوی شهر خبیث

در سناریوی «شهر خبیث»، «شهر مدفن تمدن‌ها»^۱ است. این مرحله، پیامد ناخوشایند حیات خبیث انسان است؛ هم‌زمان که ظرفیت زمین برای ارائه منابع به‌طور نظام‌مند کاهش می‌یابد، نیازها و خواسته‌های مبدّرانه انسان از زیست‌کره (بیوسفر) ناشی از ثروت و فناوری‌هایی که به انسان‌ها، اجازه استخراج منابع را با سرعت بیشتری می‌دهند، در حال افزایش است و در نهایت موجب زوال و نابودی نظام‌های حیات در زیست‌کره می‌شود.

طیب و طیبات در قرآن بارها در برابر خبیث و خبیثات به کار رفته است؛ از جمله:

بگو خبیث و طیب با هم برابر نیستند؛ هر چند کثرت خبیث تو را به شگفت آورد. (مائده / ۱۰۰)

خبیث را به جای طیب بدل نگیرید. (نساء / ۲)

خداوند با عنایت خاص، در صدد جداسازی طیب از خبیث است و لازم می‌داند که این دو طبقه از مردم باید از هم جدا شناخته شوند و هر کدام به سرنوشت خود برسند و همچنین چیزهای طیب از خبیث جدا شوند. (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۱: ۹۵) از نظر جوامعی که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی خود، دو عامل مهم «مبدأ» و «معاد» را در نظر نمی‌گیرند، کیفیت خوب «حداکثرسازی گزینه‌های انتخاب مردم» است؛ در حالی که از نظر قرآن، چنین جوامعی نه تنها از

۱. این مفهوم از پاتریک گدس (Patrick Geddes) و لوییز مامفورد (Lewis Mumford) عاریت گرفته شده است. پاتریک گدس در کتاب *تکامل شهری* و سپس لوئیز مامفورد در کتاب *فرهنگ شهرها*، از مرده شهری (Necropolis) به‌عنوان آخرین مرحله تکامل شهری نام می‌برند؛ که «شهر مدفن تمدن‌ها» است.

زندگی با کیفیت خوب بهره‌مند نیستند، دارای «معیشت ضنک» (زندگی تنگ) هستند:

هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ و سختی خواهد داشت و در روز قیامت نیز او را نابینا محشور می‌کنیم. (طه / ۱۲۴؛ خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

۵. سناریوی شهر طیب

سناریوی شهر طیب، مبتنی بر نگرش توحیدمحور به طبیعت است. توحید، پایه اعتقادات اسلامی و به معنای یکتا دانستن مبدأ هستی، یعنی خدا است و گویای این حقیقت که تمام هستی را خداوند آفریده است و استمرار حیات و کنترل و نگهداری آن نیز برعهده اوست. (نورائی، ۱۳۹۱: ۷)

قرآن درباره شهر و قریه، وصف «طیب» را به کار برده و مردم را به آن ترغیب نموده است:

كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ، بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ. (سبأ / ۱۵)

از روزی خدا بخورید و او را سپاس گوید، شهری پاک و پروردگاری آمرزنده.

این آیه، خود جنبه‌های مختلف «بلده طیبه» و «مردم طیب» را از لحاظ عقیدتی، اخلاقی و توحیدی دربر دارد. در بلده طیبه، مردم موحد و شاکر هستند، روزی خدا را می‌خورند و او را «رب غفور» می‌دانند. (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۱: ۹۷)

زندگی در پناه ایمان و امنیت معنوی، همان حیات طیبه است؛ هم‌چنان که قرآن نیز فرموده است: (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات (حقیقی) بخشیم. (نحل / ۹۷)

از نظر قرآن که دعوت‌کننده به دو عامل «مبدأ» و «معاد» است، کیفیت خوب، یعنی تأمین گزینه‌هایی که جامعه را به «حیات طیبه» برساند:

هر کسی از مرد و زن، عمل صالحی انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً او را با حیات طیبه‌ای، حیات حقیقی بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد. (نحل / ۹۷؛ خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

ج) شهر طیب و شهر پایدار

مطابق سناریوی شهر پایدار - بوم‌شهر / شهر سبز - تغییر جهت به‌موقع و مناسب در شیوه‌های

حکمرانی زیست‌محیطی،^۱ نظام‌های شهری شکل گرفته بر مبنای دانش بوم‌شناسی را به سوی پایداری - افزایش تاب‌آوری^۲ در نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی^۳ از طریق کاهش اندازه بار تحمیل شده به زیرنظام بوم‌شناختی از سوی انسان (جاپای بوم‌شناختی) از چند کره زمین به یک کره زمین - سوق خواهد داد. حکمرانی زیست‌محیطی در واقع کلیدی برای راهبردهای مدیریت مخاطرات ناشی از مشکلات زیست‌محیطی است.

در مقابل، در اخلاق زیست‌محیطی اسلام، نگاه توحیدی انسان، رابطه سه‌گانه او با خدا و جامعه (همنوع) و محیط زیست را کمال می‌بخشد؛ (نورائی، ۱۳۹۱: ۸) درحالی‌که نگرش زیست‌بوم‌محور که مدعی اصلی تسری رفتار اخلاقی با طبیعت در غرب است، در چارچوب حکمرانی زیست‌محیطی، ملاک رفتار اخلاقی با طبیعت را تدوین قوانین و مقررات زیست‌محیطی قلمداد می‌کند تا بتواند به خواش‌های ضروری و جسمانی - که منشأ زیان و رنجی برای انسان بر اثر تغییر در اقلیم نباشد - پاسخ دهد. مراد این است که بقای انسان در بوم‌سپهر^۴ / کره زمین بر اثر مشکلات زیست‌محیطی پدیدآمده از جانب خود او به خطر نیفتد و دوام یابد. بنابراین موضع هستی‌شناختی این نگرش درباره سرشت جهان، ضرورت رفتار اخلاقی با طبیعت را نزد آنان محدود به شرایط اضطرار محیط زیست می‌سازد؛ درحالی‌که در اسلام، هدف از رفتار اخلاقی با طبیعت، تقرب به خداوند است و رفتار اخلاقی با محیط زیست، از طرف کرامت نفس یا به عبارت دیگر، مهار و تعدیل خودخواهی تضمین می‌شود.

۱. حکمرانی زیست‌محیطی (Environmental Governance)، تأسیس، سازمان‌دهی مجدد یا تغییر نهادها برای حل و فصل تعارض‌ها و ناسازگاری‌ها بر سر منابع زیست‌محیطی است. (Paavola, 2007: 93) حکمرانی نظام کره زمین، نظام به‌هم‌پیوسته و به طور فزاینده‌ای یکپارچه از قوانین رسمی و غیررسمی، نظام‌های قانون‌گذاری و شبکه بازیگران در تمام سطوح جامعه بشری (از محلی تا جهانی) است که برای هدایت جوامع برای جلوگیری کردن، کم کردن و انطباق یافتن با تغییر زیست‌محیطی در سطح جهانی و محلی و به طور ویژه، دگرگونی نظام کره زمین در چارچوب ارزشی توسعه پایدار ایجاد می‌شود. (Biermann, et al, 2009: 4)

۲. تاب‌آوری، تداوم روابط در درون یک نظام را مشخص می‌کند و معیار اندازه‌گیری توانایی این نظام برای در خود مستحیل کردن دگرگونی متغیرهای وضعیت، متغیرهای پیشران و آرام باقی ماندن است. طبق این تعریف، تاب‌آوری، خصیصه‌ای از نظام است که تداوم یا احتمال نابودی آن نظام را در پی دارد. (Holling, 1973: 17)

۳. نظام اجتماعی - بوم‌شناختی (Ecological Systems - Social)، نظامی یکپارچه از اکوسیستم‌ها و جامعه بشری، همراه با بازخوردهای دوسویه (Reciprocal Feedback) است. (The Resilience Alliance, 2007: 1) در واقع این مفهوم، برای حل مشکلات زیست‌محیطی، بر تنظیم مجدد رابطه انسان با طبیعت تأکید می‌نماید و شهر را یک نظام بوم‌شناختی تلقی می‌کند.

4. Ecosphere

جدول (۲): ویژگی‌های نظام اخلاق زیست‌محیطی زیست‌بوم‌محور و توحیدمحور

جهان‌بینی	علت مشکلات زیست‌محیطی	کانون ارزش ذاتی	ضمانت رفتار اخلاقی با محیط زیست
زیست‌بوم‌محور	سلطه بشر بر طبیعت: بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع کره زمین بر اثر افزایش جمعیت جهان	بوم‌سپهر / کره زمین: نظامی یکپارچه از اکوسیستم‌ها و جامعه بشری است	بیرونی و دولتی: تضمین قواعد حقوقی رفتار با محیط زیست از طرف دولت / مدیریت شهری
توحیدمحور	عدم تسلط انسان بر خویش	خداوند یکتا: محیط بر همه و دانای همه چیز است	درونی: تضمین قواعد اخلاقی رفتار با محیط زیست از طرف کرامت نفس

(منبع: یافته‌های تحقیق)

بدین ترتیب، مطابق نگرش زیست‌بوم‌محور، دستیابی به شهر پایدار، مستلزم چارچوب‌های نهادی، سیاسی و قانونی جدیدی است که «حکمرانی زیست‌محیطی» نامیده می‌شود و وظیفه سازماندهی و مدیریت رفتار مسئولانه یا اخلاقی مردم با طبیعت را برعهده دارد. لذا با ترجمان رفتار اخلاقی با محیط زیست به حقوق و قوانین اجتماعی، اخلاق زیست‌محیطی، مترادف با «حقوق و قوانین اجتماعی در ساحت انسانی برای مدیریت و کنترل سلطه بشر بر طبیعت» تعریف می‌شود و مردم به‌عنوان مدیران زیست‌محیطی که به قانون احترام می‌گذارند، افرادی قانون‌گرا و در نتیجه اخلاقی شمرده می‌شوند. با این وصف، اخلاق هم‌مرز حقوق و قانون، برای خاتمه دادن به مسائل و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از سلطه بشر بر طبیعت و به تبع آن، افزایش کیفیت زیست‌محیطی زندگی مردم از طریق حداکثرسازی گزینه‌های انتخاب مردم می‌شود.

در واقع، حکمرانی زیست‌محیطی، سازوکاری است که با تکیه بر قواعد حقوقی و نظام‌های مدیریتی، رفتار اخلاقی با طبیعت را سازماندهی می‌کند تا بدین وسیله بتوان انسان‌ها را به سوی رفتار اخلاقی با طبیعت هدایت کرد. فرض بر این است که حکمرانی زیست‌محیطی در قلمرو شهر، فرایندی است که می‌تواند بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر، به بسط رفتارهای اخلاقی با محیط زیست بینجامد.

این امر، ناشی از آن است که در تفکر بیشتر نظریه‌پردازان غربی، اخلاق پدیده‌ای بیرونی و

رفتاری است و به همین سبب، بحث‌های آنها، هم در مرحله تشخیص اخلاقی بودن یا نبودن یک پدیده و هم در مرحله ارائه توصیه و نظر برای اخلاقی شدن و اخلاقی کردن یک پدیده، متوجه رفتارهای بیرونی است که موضوع علم «حقوق» است؛ مثلاً فردی که قوانین اجتماعی را رعایت می‌کند، به واسطه اینکه به قانون احترام می‌گذارد، فردی قانون‌گرا شمرده می‌شود و در همان حال، بر اساس معیار اندیشمندان غربی، فردی اخلاقی نیز به شمار می‌آید؛ چراکه حقوق دیگران را پایمال نکرده است. با این وصف، در تفکر آنها، اخلاق نه تنها هم‌مرز حقوق و قانون می‌شود، هم‌نشین قانون در یک قلمروی واحد نیز قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که اخلاق، ضامن اجرای قوانین عملی در جامعه است و بهتر از هر قانون یا مراقبی، در حفظ نظم در جامعه مؤثر می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۷)

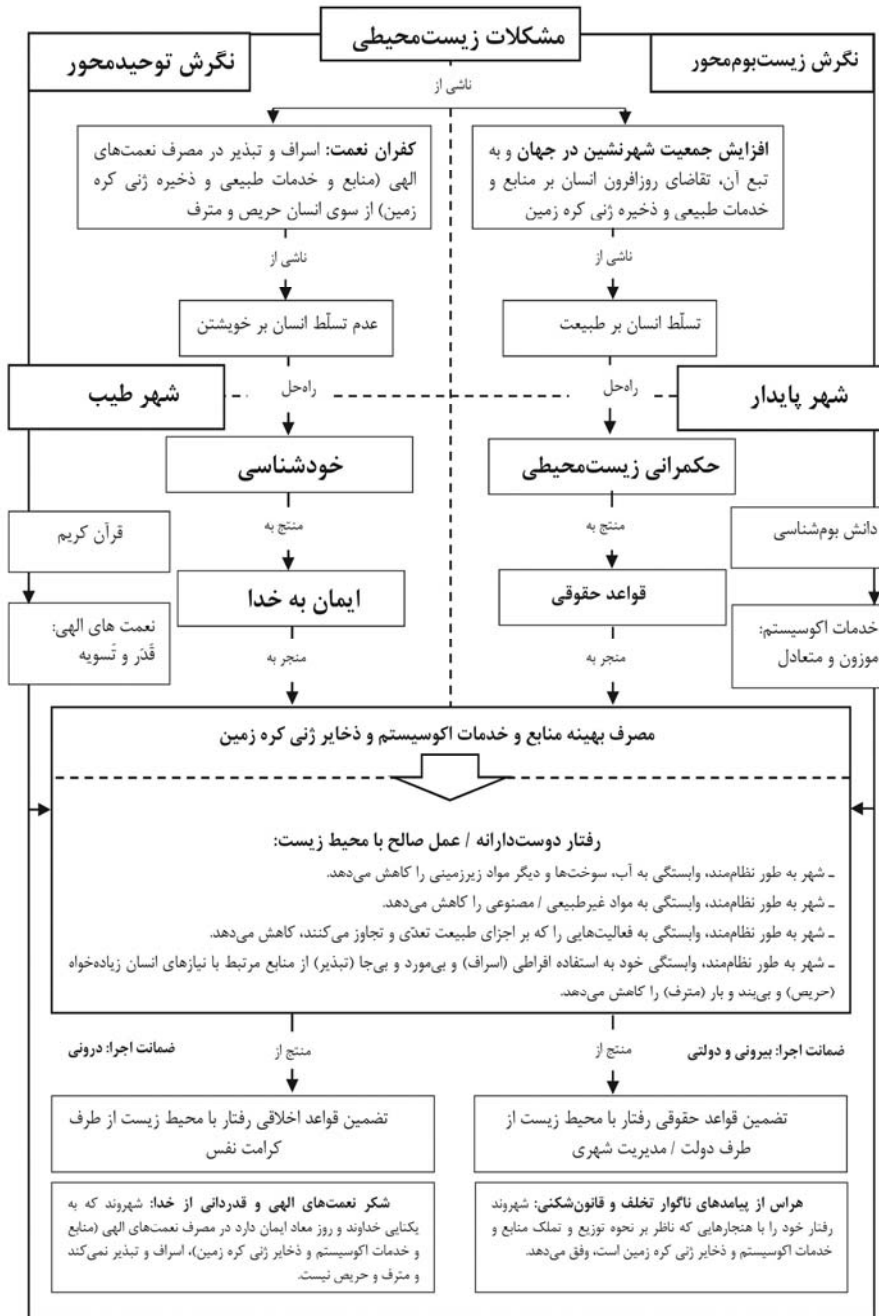
قوانین موضوع بشری نمی‌تواند امیال خودخواهانه آدمی را که در مسیر پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، به طور کامل مهار نماید. (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۰) جبرِ قوانین قراردادی و وحشت از کیفرها، موجب تعدیل واقعی «خودخواهی» نیست. مسلم است که علت حقیقی در بروز عواقب وخیم و هلاکت‌بار در این برهه از تاریخ، سلطه بشر بر طبیعت نیست؛ بلکه «عدم سلطه بشر بر خویشتن» است. عدم بروز پدیده‌های خودخواهی، به اصلاح ریشه‌های آن - که مستند به «صیانت ذات تکاملی» است - مربوط می‌شود، نه به مکانیزم جبری و شبه‌جبری زندگی اجتماعی. تعدیل جبری خودخواهی‌ها برای ضرورت تنظیم زندگی اجتماعی، غیر از تعدیل خودخواهی (صیانت ذات) و تبدیل آن به خود داشتن (صیانت تکاملی ذات) است که مذاهب راستین الهی و اخلاق، رسالت آن را به عهده گرفته‌اند. (جعفری، ۱۳۶۹: ۲۶ - ۲۵)

بدین ترتیب، حکمرانی زیست‌محیطی هر چند برای مکلف کردن مردم به رعایت هنجارها یا قوانینی که ناظر بر نحوه توزیع و تملک منابع و خدمات اکوسیستم و ذخایر ژنی کره زمین است، یک شرط ضروری است، قادر به مهار خودبینی و خودخواهی انسان نیست. اگر سناریوهای «پراکندگی شهری» و «شهر خبیث»، به ترتیب وضعیت بد و بدترین را برای نظام طبیعت به بار می‌آورند، سناریوهای «بدل شهر پایدار» و «شهر پایدار»، گذار از وضعیت‌های بدترین و بد را در جهت رسیدن به وضعیت خوب فراهم می‌سازند تا رسیدن به وضعیت خوب‌ترین (شهر طیب).

با تأکید بر حکمرانی، قصد و انگیزه از رفتار اخلاقی با طبیعت، به اهدافی محدود می‌شود که نمی‌تواند تحرک لازم را در افراد برای انجام فعل اخلاقی ایجاد کند؛ اما در برابر چهار سناریوی یادشده، سناریوی شهر طیب قرار دارد که کیفیت زندگی انسان را صرفاً محدود به این دنیا و

ساحت مادی نمی‌داند. در سناریوی شهر طیب، رفتار اخلاقی انسان با طبیعت در گرو رشد و تکامل معنوی اوست. به عبارت دیگر، رفتار اخلاقی انسان با طبیعت، بر ایمان به یگانگی خداوند تکیه دارد و اعتبار قواعد اخلاقی نه از برون (از سوی دولت یا مدیریت شهری) که از درون تضمین می‌شود. با تکیه بر حکمرانی زیست‌محیطی - که رفتار اخلاقی مردم با طبیعت، از طرف دولت / مدیریت شهری تضمین می‌شود - هراس از پیامدهای ناگوار تخلف و قانون‌شکنی است که شهروند را مجبور می‌سازد تا رفتار خود را با هنجارهایی که ناظر بر نحوه توزیع و تملک منابع و خدمات اکوسیستم و ذخایر ژنی کره زمین است، وفق دهد؛ اما در شهر طیب، انسان که خود و آنچه را در آسمان و زمین است، در احاطه خداوند می‌داند، با آگاهی به فانی بودن دنیا و لزوم بازگشت به سوی خداوند، خودگروی تنگ‌نظرانه را به خودگروی دوراندیشانه و آخرت‌اندیش تبدیل می‌کند و افق دید را گسترش داده، بر کرامت نفس خویش می‌افزاید. چنین انسانی، شاکر نعمت‌های الهی و قدردان خداوند است؛ یعنی با رها کردن و ترک انانیت و تزکیه و تهذیب نفس، در مصرف نعمت‌های الهی (منابع و خدمات اکوسیستم و ذخایر ژنی کره زمین) اسراف، تبذیر و اضعافه نمی‌کند و مُتَرَف و حریص نیست.

شکل (۴): تفاوت نگرشی دو دیدگاه توحیدمحور و زیست‌بوم‌محور به مشکلات زیست‌محیطی
(منبع: یافته‌های تحقیق)



نتیجه

در باب هر عمل ارادی انسان می‌توان داوری اخلاقی کرد. شهر نیز به دلیل اینکه محصول اعمال اختیاری انسان است، می‌تواند مشمول داوری‌های اخلاقی شود. داوری اخلاقی شهر، مستلزم این پیش‌فرض است که پایداری / ناپایداری، وضعیتی در نظام طبیعت در نظر گرفته شود که بر اثر فعالیت انسان حادث می‌شود. بدین ترتیب، در ارزیابی بر مبنای نظام اخلاقی، فرض بر این است که ناپایداری حادث‌شده در نظام طبیعی طبیعت، بر اثر فعالیت انسان (نوع رفتار انسان با طبیعت) متأثر از نگرش انسان به جایگاه او در برابر سایر موجودات جاندار و غیرجاندار در نظام هستی است و پایداری در نظام طبیعت، مستلزم تغییر در نگرش انسان است؛ نگرشی که در وضع موجود به ناپایداری نظام طبیعت انجامیده است. این تغییر نگرش در بستر مفاهیم اخلاقی به معنای «تغییر در خُلق انسان» است که می‌تواند جایگاه مناسب‌تری را برای انسان در نظام هستی رقم زند و مشخص کند که رفتار انسان با طبیعت، چگونه و به چه روشی خوب (پایدار) است و باید باشد و به چه شیوه‌ای بد (ناپایدار) است و نباید باشد. جایگاهی که به موجب آن شهر، نقش خود را در شکل‌بخشی به محیط زیست انسان - در تعامل با نظام طبیعت، نه تقابل با آن - ایفا خواهد کرد.

نیت در سنجش ارزش اخلاقی نوع رفتار با طبیعت، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که مسائلی که درباره ارزش‌ابزاری یا ذاتی طبیعت مطرح است، بسیار متأثر از هستی‌شناسی انسان است. این بدان معنا است که دو حوزه مربوط به هستی و معرفت، ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که اگر کوچک‌ترین تغییری در مباحث هستی‌شناسی (تفسیر انسان از جهان و انسان) ایجاد شود، سراسر معرفت (ماهیت رابطه بین شناسا (انسان) و شناخته یا آنچه شناخته می‌شود (طبیعت)) را دربر خواهد گرفت و به تبع آن، ارزش اخلاقی رفتار و نتایج آن متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب، ریشه اختلاف در ارزش اخلاقی نوع رفتار با طبیعت را بر حسب هر یک از رهیافت‌های گوناگون اخلاق زیست‌محیطی، باید در تفسیر انسان از جهان و انسان جستجو کرد؛ تفسیری که در انواع تصاویر جذاب تغییر شهر پایدار (بوم‌شهر، شهر سبز، شهر فشرده / متراکم، شهر زیست‌پذیر، شهر سالم و شهر هوشمند) به‌عنوان محصول اعمال اختیاری انسان و مبین نوع رابطه انسان با طبیعت بازنمایی می‌یابد.

نظام اخلاقی اسلام بر پایه آراستگی به اخلاق الهی استوار است؛ از این‌رو عمل اخلاقی با طبیعت و عملی که معطوف به خیر آدمی شود، همزمان علاوه بر نظام به‌هم‌پیوسته و بسیار

یکپارچه از قوانین رسمی و غیررسمی، نظام‌های قانون‌گذاری و شبکه بازیگران در تمام سطوح جامعه بشری (از سطح محلی تا جهانی)، به تغییر در نگرش انسان و آگاهی او از اینکه خدا محیط بر همه و دانای بر همه چیز است، وابسته است؛ اعتقاد به اینکه جهان هستی، افزون بر نظم طبیعی و علمی، دارای نظم اخلاقی نیز هست و کمال و سعادت و رستگاری انسان در قرب الهی است و خیر حقیقی فرد و جامعه، آن است که اراده خداوند به آن تعلق گرفته است. در این صورت، عمل به قوانین و مقررات زیست‌محیطی تدوین شده در دایره دانش بوم‌شناسی، مجرد از اخلاق و فارغ از وجدان، ارزش تلقی نمی‌شود و موفقیت تغییرات نهادی در ترغیب استفاده بهتر از نعمت‌های الهی به گونه تعیین‌کننده‌ای به تعدیل خودخواهی (صیانت ذات) و تبدیل آن به خود داشتن (صیانت تکاملی ذات) مربوط می‌شود. بدین ترتیب، در شهر پایدار که طیب باشد، مردم موحد و شاکر هستند، به یکتایی خداوند و روز معاد ایمان دارند در مصرف نعمت‌های الهی (منابع و خدمات اکوسیستم و ذخایر ژنی کره زمین) اسراف و تبذیر نمی‌کنند و مُتَرَف و حریص نیستند. دستیابی به «شهر طیب»، مستلزم این است که آحاد مردم آن شهر بر این باور باشند که منافع خلقت، نه فقط برای نوع انسان، که برای همه مخلوقات زنده و غیرزنده خداوند در کل عالم است و آنان موظف به حفاظت، عمران و آبادانی زمین هستند. این افراد که دارای نگرش آیه‌ای به طبیعت هستند و نیت / انگیزه آنان از رفتار اخلاقی با طبیعت، تَقَرُّب الهی است، در مقایسه با سایر افرادی که نیت / انگیزه آنان کسب سود یا سازگاری با نظام بوم‌سپهر است یا به عبارت دیگر، کانون ارزش ذاتی در نظام هستی را چیزی غیر از خداوند یکتا تصور می‌کنند، رفتار دوست‌دارانه بیشتری با محیط زیست خواهند داشت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۸، «احیاگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راه برد دولت مهدوی»، مشرق موعود، ش ۱۱، ص ۱۱۶ - ۱۰۱.
۳. اسلاتر، ریچارد، ۱۳۸۶، دانش واژه آینده‌پژوهی، ترجمه عبدالحمید کرامت‌زاده، محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۴. اسلامی، محمدتقی، ۱۳۹۱، «اسلام و اخلاق زیست محیطی با تاکید بر آرای آیت الله جوادی آملی»، اسراء، ش ۴، ص ۱۱۱ - ۷۷.

۵. اسمیت، لارنس، ۱۳۹۰، جهان در ۲۰۵۰، ترجمه منصور امید و ناصر زرین پنجه، تهران، انتشارات مهر ویستا.
۶. اکبری، بهمن و اسفندیاری، حامد، ۱۳۸۹، «اخلاق مصرف در اسلام و تأثیر آن بر حفظ محیط زیست»، از مجموعه مقالات: *اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)*، به کوشش کاووس سیدامامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. بن سن، جان، ۱۳۸۲، «اخلاق زیست محیطی»، در: *اخلاق زیست محیطی*، ترجمه محمدمهدی رستمی شاهرودی، ج ۱، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
۸. جوادی، محسن، ۱۳۸۷، «انسان محوری در اخلاق زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۹۰، ص ۶۶ - ۴۷.
۹. خلیلی، نصرالله، ۱۳۹۰، «معیارها و شاخص‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، *معرفت اقتصادی*، ش ۲، ص ۱۰۶ - ۸۱.
۱۰. زاهدی، شمس‌السادات و نجفی، غلامعلی، ۱۳۸۵، «بسط مفهومی توسعه پایدار»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ش ۴، ص ۷۶ - ۴۳.
۱۱. شماعتی، علی، نادری منش، محسن و قدیری، روح‌الله، ۱۳۸۸، *آینده‌نگاری فناوری اطلاعات در ایران ۱۴۰۴*، تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۱، «فلسفه اخلاق علامه محمدحسین طباطبایی»، در *درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران*، ویراستار: امید مسعود، تبریز، موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز، ص ۲۵ - ۱.
۱۳. عابدی سروستانی، احمد، شاه‌ولی، منصور و محقق داماد، مصطفی، ۱۳۹۱، *مبانی و رهیافت‌های مختلف اخلاق زیست محیطی*، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۴. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۹، «بقا در قرن بیست و یکم، نقد و بررسی بیانیه ونکوور کانادا»، برگرفته از سایت: www.ostad-jafari.com.
۱۵. فتحعلی، محمود، ۱۳۹۰، «نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام، با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی»، *معرفت اخلاقی*، ش ۳، ص ۱۲۲ - ۹۷.
۱۶. فهیمی، عزیزاله؛ و مشهدی، علی، ۱۳۸۸، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست: (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)»، *پژوهش‌های فلسفی و کلامی*،

ش ۴۴، ص ۲۱۶ - ۱۹۵.

۱۷. فهیمی، عزیزاله، ۱۳۸۷، «فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن»، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۳۵، ص ۱۱۷ - ۱۰۷.
۱۸. کریمی، ابراهیم، ۱۳۸۸، «عوامل تخریب محیط زیست و راه کارهای بهبود آن از دیدگاه قرآن و حدیث»، فرهنگ جهاد، ش ۴، ص ۱۲۶ - ۱۱۴.
۱۹. متقی، تقی، ۱۳۸۷، اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم ﷺ، قم، دفتر عقل.
۲۰. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۳، «طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام»، نامه فرهنگ، ش ۱۳، ص ۸۹ - ۷۸.
۲۱. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۰، «الهیات محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، ش ۱۷، ص ۳۰ - ۷.
۲۲. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۹۳، الهیات محیط زیست، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲۳. نصر، حسین، ۱۳۹۱، دین و نظم طبیعت، تهران: نشر نی.
۲۴. نورائی، محسن، ۱۳۹۱، «جهان بینی قرآن و محیط زیست»، آموزه‌های قرآنی، ش ۱۶، ص ۲۲ - ۳.
۲۵. واعظزاده خراسانی، محمد، ۱۳۷۱، «محیط زیست از نظر اسلام و به‌سازی محیط زیست شهر تهران»، مشکوة، ج ۳۶ و ۳۷، ص ۱۱۲ - ۹۴.
26. Biermann, F., et al., 2009, "Earth System Governance: People, Places and the Planet", *Science and Implementation Plan of the Earth System Governance Project*, ESG Report No.1. Bonn, IHDP: The Earth System Governance Project. Available at: www.earthsystemgovernance.org/.../biermann-frank-earth-system-governance-science-plan
27. Borrong, R. P., 2005, *Environmental Ethics and Ecological Theology: Ethics as Integral Part of Ecosphere from an Indonesian Perspective*, PhD Thesis, Faculty of Theology, VU University Amsterdam. Available at: dare.uvu.vu.nl.
28. Burton, E., 2000, "The Compact City: Just or Just Compact? A Preliminary Analysis", *Urban Studies*, vol. 37, no. 11, p. 1969 - 2001.
29. Chazal, J.D., 2010, "A Systems Approach to Livability and Sustainability: Defining Terms and Mapping Relationships to Link Desires with Ecological Opportunities and Constraints", *Systems Research and Behavioral Science*, Vol.27, no.5, p. 585 - 597.
30. Ciumasu, I.M., 2013, "Dynamic Decision Trees for Building Resilience

- into Future Eco – Cities", *Technological Forecasting & Social Change*, vol. 80, no.9, p.1804 - 1814.
31. Davis, A., and Nagle, G., 2010, *Environmental Systems and Societies*, Wales: Pearson.
 32. Department of Economic and Social Affairs (DESA) 2011, "World Urbanization Prospects", the 2011 Revision, Available at: www.unpopulation.org. (Accessed: Jan 2013).
 33. Guy, S., and Marvin, S., 2000, "Models and Pathways: The Diversity of Sustainable Urban Futures", In: *Achieving Sustainable Urban Form*. K. Williams, E. Burton and m. Jenjs, (Eds) London and New York: E & FN Spon.
 34. Holling, C.S., 1973, "Resilience and stability of ecological systems", *Annual Review of Ecology and Systematics*, vol.4, p. 1 - 23.
 35. Inayatullah, S. 2005, *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*, Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.
 36. Inayatullah, S. 2008, "Six pillars: futures thinking for transforming", *Foresight*, VOL. 10, NO. 1, p. 4 - 21.
 37. Oughton, D., 2003, "Protection of the environment from ionising radiation", *Ethical Issues*, Journal of Environmental Radioactivity, vol.66, no.1 - 2, p. 3 - 18.
 38. Paavola, J., 2007, "Institutions and environmental governance: a reconceptualization", *Ecological Economics*, vol. 63, no.1, p. 93 - 103.
 39. Pacione, M., 1990, "Urban liveability: A review", *Urban Geography*, vol.11, no.1, p. 1 - 30.
 40. Piro, G., Cianci, I., Grieco, L.A., Boggia, G., Camarda, P., 2014, "Information centric services in Smart Citiee", *The Journal of Systems and Software*, vol. 88, p. 169 - 188.
 41. Rousseau, J - J., 1979, *Reveries of the Solitary Walker*, Harmonsworth: Pinguin.
 42. Taylor. P.W., 1986, *Respect to Nature: A Theory of Environmental Ethics*, Princeton: Princetonuniversity Press.
 43. The Resilience Alliance, 2007, "Assessing and Managing Resilience" in *Social - Ecological Systems: A Practitioner's Workbook*, Vol 1, ver 1.0, URL: <http://www.resalliance.org>.
 44. Victorian Competition and Efficiency Commission., 2008, *A State of liveability: An Enquiry into Enhancing Victoria's Liveability*, Final report. Melbourne, Victoria: Victorian Competition and Efficiency Commission.
 45. WHO. Regional Office for the Eastern Mediterranean., 2007, "Training Manual for The Healthy City Programme", Available At: www.emro.who.int/dsaf/dsa787.pdf.

